

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایابی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۰۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱-۵

تکلیف مهریه در طلاق به درخواست مرد چیست؟

۱۷...۱۹۵۰
پنده سال ۱۳۹۴ دوباره ازدواج کردم، ولی همسرم هیچ وقت از من تمکین نکرده است. همیشه به من توهین می‌کند. یعنی بدزبان است. اکنون هم ماهانه ۳تا ۵میلیون تومان به ایشان پول می‌دهم، اما تصمیم گرفته‌ام طلاقش بدهم. مهریه اش ۵۰میلیون تومان است، اما وضع مالی خوبی ندارم و نمی‌توانم آن را یکجا پرداخت کنم. امکان قسطی شدن مهریه هست؟

● حسین مرادیان، وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس حقوقی:

در دو حالت مرد می‌تواند مهریه را قسطی بپردازد. البته توجه به این نکته ضروری است که اگر مرد بخواهد بدون دلیل همسرش را طلاق بدهد، اجرای صیغه طلاق منوط به این است که مهریه را کامل پرداخت کند. درواقع این قانون ابزاری بازدارنده است که مرد بی دلیل تصمیم به طلاق نگیرد، مگر اینکه دلیل قانونی برای این موضوع داشته باشد. مثل اینکه زن از مرد تمکین نمی‌کند یا اختلافات روحی و روانی ثابت شده دارد. در این صورت، دادگاه از باب مساعدت با مرد، مهریه را قسطبندی می‌کند. در حالت دیگر نیز، در صورت ناتوانی مرد از پرداخت یکجای مبلغ مهریه، می‌تواند تقاضای اعسار یا تقسیط کند. منظور از اعسار، اثبات ناتوانی از پرداخت و منظور از تقسیط، قسطی کردن بدهی است. بدین ترتیب به تقاضای مرد، مهریه قسطی می‌شود. میزان اقساط هم به درآمد مرد بستگی دارد. البته برای قسطی شدن مهریه، زوج نباید اموالی داشته باشد، یعنی اموالی که کفاف پرداخت مهریه را بدهد. بدین ترتیب، اگر برای دادگاه ثابت شود که مرد توانایی پرداخت همه مهریه را یکجا ندارد، مبلغ را قسطی می‌کند.

روى خط حادثه

حمله سگ ولگرد به ۳ کودک و یک زن



ایرنا فرماندار بیرجند از حمله یک قلاده سگ به چهار نفر در یکی از مناطق این شهرستان خبر داد.

علی فاضلی فرد در تشریح جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۷صبح دیروز در روستای حسین آباد سادات از توابع شهرستان بیرجند، یک قلاده سگ ولگرد به سه کودک حمله کرد. در این حادثه یک دختر شش ساله از ناحیه صورت و دست، پسر چهارساله از ناحیه دست و سر و همچنین پسر یازده ساله از ناحیه پا هدف حمله و گازگرفتگی این سگ شدند.

فاضلی فرد بیان کرد : مصدومان این حادثه بلافاصله به وسیله اورژانس به بیمارستان امام رضا^(ع) در بیرجند منتقل شدند که اقدامات درمانی وواکسیناسیون آن‌ها به موقع انجام شد. این کودکان هم اکنون در بیمارستان بستری و تحت درمان قرار دارند و حال عمومی آن‌ها خوب است. فرماندار بیرجند افزود: این قلاده سگ در ادامه مسیرش به سمت روستای شمس آباد، به دو قلاده سگ دیگر حمله می‌کند. همچنین، در روستای شمس آباد یک زن پنجاه و پنج ساله هدف حمله این سگ قرار می‌گیرد و این سگ دست‌اورا گاز می‌گیرد. این شخص نیز بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و اقدامات درمانی برای این فرد درحال انجام است و حال عمومی او خوب گزارش شده است.

فاضلی فرد ادامه داد: این قلاده سگ بلافاصله توسط تیم دام پزشکی جمع‌آوری شد. نمونه‌برداری و آزمایش برای احتمال مبتلایودن به بیماری هاری از این حیوان انجام شده است. همچنین، بقایای غذاهایی که سگ‌های ولگرد در حاشیه این روستاها از آن‌ها استفاده می‌کردند نیز جمع‌آوری شده است.

پایان فرار ۱۵ ماهه قاتل پیرزن

ایساا متهم به قتل زن سال خورده تهرانی پس از پانزده ماه فرار، به دست پلیس دستگیر شد.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت درباره این پرونده گفت: بهمن ۱۴۰۰ رسیدگی به پرونده قتل یک زن سال خورده داخل خانه اش در محله ولنجک تهران به گروهی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی واگذار شد. مأموران در جریان تحقیقات میدانی خود متوجه شدند زن سال خورده که آثار کبودی روی گردنش مشهود بود، به دست فردی خفه و خودرو و ملاهایش نیز دزدیده شده است.

سرهنگ علی ولیپور گودرزی بیان کرد: کارآگاهان در جریان تحقیقات متوجه شدند مردی جوان به عنوان پسرشار مقتول استخدام شده بود که از زمان وقوع جنایت، توسط خانواده اش مشاهده نشده است. همین موضوع هم شک مأموران را برانگیخت و سبب شد تا عکس چهره با متهم نیز با دستور مقام قضایی منتشر شود. مأموران با به دست آوردن سرخن‌های موجود در پرونده، دریافتند قاتل پس از ارتکاب جنایت به یکی از کشورهای همسایه گریخته است.

این مقام انتظامی تهران افزود: تحقیقات این پرونده در جریان بود که مجرای قانون مطلع شدند چند هفته قبل متهم به ایران برگشته و در غرب تهران زندگی پنهانی اش را آغاز کرده است. کارآگاهان پلیس بلافاصله خفیهگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند و به فرار پانزده ماهه اش پایان دادند. متهم در روند تحقیقات پلیسی به اتهام انتسابی، یعنی قتل زن سال خورده با انگیزه سرتقت خودرو و ملا و جواهراتش، اعتراف کرده است.

شماره ۸

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

شماره ۸
۱۷ فروردین ۱۴۰۲
۱۳۳۵ شمسی

محمد جواد انبوعطا

گزارش

بچه پنج ساله همراه با پدر بیست و پنج ساله و پدربزرگش آمده بودند مقابل کمپ. پدربزرگ بنا کرد به سروصدا و نمی‌دانستم موضوع چیست. آن‌ها را به داخل کمپ آوردم و به دفتر بردم. لیوان آبی دستشان دادم و چایی جلویشان گذاشتم. کم کم آرام شدند. با خودم فکر کردم حتما کس و کار یکی از مددجویان هستند که نتیجه نگرفته و حالا برای شکایت اینجاآمده‌اند. پدربزرگ بدون مقدمه شروع کرد به تعریف ماجرای زندگی نوه پنج ساله اش که روی پای پدرش ننشسته بود و چرت می‌زد. من تفاوت این چرت را با دیگر چرت‌ها خوب می‌فهمیدم. پدربزرگ همه چیز را همان اول در یک جمله به من حالی کرد: «نوه‌ام معتاد است.» بعد هم گفت: «پسرش را ننشده بیابان است و سالی دوازده ماه خانه نیست. همسرش هم که حوصله گریه‌های شبانه بچه‌اش را نداشته. هر شب به فرزندش کمی آب‌تریاک می‌داده است تا ساکت شود و بخوابد. حالا همیشه ایام که ای داد بیداد. نوه‌ام معتاد شده است! نمی‌دانم چه کنم. یکی از دوستانم گفت بروید پیش سیدمحمد گره کارتان به دست او باز می‌شود و نشانی اینجا را داد.» تا به حال با چنین موردی روبه‌رو نشده بودم، ولی این‌ها به من پناه آورده بودند و باید کاری برایشان می‌کردم. با اجازه خانواده، پسر بچه را آوردم کمپ. خیلی اذیت می‌کرد و از در و دیوار بالا می‌رفت. یادم می‌آید برایش دوچرخه خریدیم، اسباب‌بازی آوردم و بعد از چند هفته پسر بچه را که ترک کرده بود، بغل بابایش گذاشتم و به خدا سپردمشان.

این‌ها فقط بخشی از خاطرات سیدمحمد عاقبت خواست. مردی که ۶۶ هزار و ۶۶۰ روز سابقه اداره کمپ ترک اعتیاد دارد و مخزنی از خاطرات دود گرفته روزهایی است که بر هزاران معتاد در این کمپ گذشته است. ساعتی با او در محل کمپ ماده ۱۶، بهار زندگی، در روستای اسماعیل آباد گفت‌وگو کردیم. خواندن خاطرات این مرد که روزی خودش معتادی فراری از خانواده بوده است و حالا معتادان را به آغوش خانواده‌شان بازمی‌گرداند، خالی از لطف نیست. «من خودم معتاد بودم،» عاقبت خواه صحبتش را با این جمله آغاز می‌کند و ابایی ندارد از اینکه بگوید روزی معتاد بوده است و مثل بیشتر معتادان زندگی‌اش بر سر مصرف مواد مخدر از هم پاشیده است. او می‌گوید: «بچه بودم که از سر

دندان‌سازا چه محلی بهتر از یک روستای تاریخی و گردشگری در حوالی مشهد برای اجرای نقشه زوج‌های جوان مناسب به نظر می‌رسد!

روستای گوجگی در کیلومتر ۳۵ جاده مشهد به کلات و در حاشیه رشته کوه‌های هزارمسجد است. یکی از هنرهای مردمان این روستا در حوزه صنایع دستی است. البته با وجود جاذبه‌های یادشده، اهالی روستا با محرومیت‌های بسیاری درگیر هستند. همین است که دو

زوج جوان به عنوان بازار یاب صنایع دستی و هنری وارد این روستا می‌شوند و از هنر دست روستاییان تعریف و تمجید و آن‌ها را تشویق می‌کنند که با کار مشارکتی به درآمد برسند. مشارکتی که البته به کلاهبرداری منجر می‌شود!

خبر

گفت‌وگو با گرداننده یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد مشهد که خودش روزی معتاد کارتن خواب بوده است



او ادامه می‌دهد: «ساعت ۶صبح یکی به من پیام داد که محمد سلام، من ایرجم، بی‌بی از دنیا رفته است. پرسیدم بی‌بی کی فوت کرده است؟ نوشت که دیروز هفتمش بوده است. من و ایرج باهم خرده حساب‌هایی داشتیم، اما یک روز رفیق خوبی برای من بود، برای همین برایش نوشتم بیا می‌برمت ماده ۱۵ بستری‌ات می‌کنم و اگر هم دوست داشتی، بیا پیش خودم. حالا منتظرم ایرج پیام بدهد تا کارهای بستری‌اش را انجام دهم. نوشت حدود ۹ ماه است که لغزش کرده‌ام. یادم هست که ایرج شاید ۱۵۰ کیلو وزن داشت. زمانی که در جاده سیمان بودم، رفته از خانه‌اش بیاورمش. وقتی دیدمش، ترسیدم. دیدم زورم به او نمی‌چرید، با او رفیق شدم. گفت می‌خواهم مصرف کنم، گفتم مصرف کن. داخل ماشین با او رفیق شدم. یک روز هنگام ترک کردن، گفت می‌خواهم بروم. گفتم بیانشین، تو خوب می‌شوی. هر طور بود نگهش داشتم. گفتم ایرج، اگر بخواهی بروی، آبروی من را جلو بی‌بی (مادرش) می‌بری! من به مادرت قول دادم‌ام. او خیلی به آقا ابوالفضل^(ع) ارادت داشت. به او گفتم از تو به حضرت شکایت می‌کنم که کوتاه آمد. او را هر طور بود، نگه داشتم. می‌رفت مرخصی، وقتی برمی‌گشت، می‌فهمیدم مصرف کرده است. اما قبول نمی‌کرد. او داخل نافش قرص پنهان می‌کرد و با خود می‌آورد و چون شکمش بزرگ بود، متوجه نمی‌شدم. یک بار که خیلی قسمش دادم، خودش را لوداد. بعد از آن پاک شد و مسئول کمپش کردم. هشت سال پاک بود و مستاجر بود. طبقه بالای خانه پدرم را دو سال به او دادم. زنش طلاق گرفت. حالا هم می‌خواهم بروم سراغ همسرش که برگردد. یک دختر دم‌بخت دارند. او هم مثل برادر خودم است. می‌خواهم اسم فرزند طلاق رو بچاهش نباشد.»

پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

جانشین رئیس پلیس مشهد در ادامه، مواردی را در پیشگیری از کلاهبرداری‌ها به شهروندان توصیه می‌کند: به هرگونه پیشنهاد برای کسب درآمد فراوان افراد کلاهبردار با تبلیغات دروغین سعی می‌کنند طعمه‌هایشان را قانع کنند، آن‌هم با وعده‌هایی مثل طی کردن پله‌های ترقی در زندگی، به سرعت و بدون زحمت. این افراد کارشان را نوعی تجارت قانونی و مشروع معرفی می‌کنند، در صورتی که فعالیت این افراد در هیچ سازمان دولتی به ثبت نرسیده است و دفتر مرکزی ندارند و حتی از نصب تابلو رسمی امتناع می‌کنند.

جدول ۳۷۲۸											
مقبره هر نیمه ابن‌اعین	شهرزیره ورق سیمانی موج‌دار	جایجایی مهد	سرمایه جاودانی دلال	مخفف کاه بین‌المللی	فرض نمونه خورار	ساختمان بیچارگی نوعی غسل	غذای آبکی لاستیک مر تجع				
ابزار یافتنی درخت اعدام		کشدنه ازغزوات		اش ساده چندن از فراغه		تردید حکم حکومتی					
غمگین بی حس	تورم رگ‌ها پروردگار		سرشت	از افعال ربطی دست نازی	از تنقلات نیز	پسوند جمع	اورا				
جنگ نامی دخترانه		خواننده سلاام آقا			هم‌رده	اسب ماده					
مرموز نوعی برج پخته	خط‌چین	نهمت سرکوب خ ف ت ر ا ب و ل	کس ق ا ن ر ق ی ر و ت ا م	نظرها و انتقادهای خود را در باره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.				چ ک ا ب و س ا ب ی ا ر ت ل و م ت ی و س ب ب ا			
کافی بر ملا گردن راز	بنیان نابود شونده	مرکز مازندران		تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹	آب ز ا ب و س ت ل و م ت ی و س ب ب ا	مرغ سعادت ریخت و پاش	اسم ترکی مقیاس سنج نقشه				
ستاره اسب ارسال					آب ز ا ب و س ت ل و م ت ی و س ب ب ا	شعله آتش گرما شدید	ساز مثنوی				

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده

مرغ‌سعادت
و پاش

اسم ترکی
مقیاس سنج
نقشه

ازتقلات
موتار
موتار

شعله آتش
گرما
شدید

ساز
مثنوی

غذای آبکی
لاستیک
مر تجع

تردید
حکم
حکومتی

اش ساده
چند تن
ازفرانعه

ازتقلات
نیز

همرد

اسب
ماده